



رضا پدراالسماء، هنرمند نقاش و طراح از این گفته که خبر شهادت رئیس جمهور کشورمان را بعد از اطلاع از شهادت حاج قاسم سلیمانی یکی از تلخ ترین اتفاقاتی های سال های اخیر می داند. او نوشته است: «بعد از شهادت جانگداز سردار سید محمدحاج قاسم سلیمانی، تلخ ترین خبری که دریافت کردم خبر ناگوار شهادت آیت الله سید ابراهیم رئیسی و همراهان عزیزشان شهید آل هاشم امام جمعه عزیز تبریز، وزیر امور خارجه مجاهد شهید حسن امیرعبداللهی، سردار سید مهدی موسوی و کادر پرواز بود. او خادم واقعی مردم ایران و همه ستمدیدگان جهان بود و در راه هدفی که انتخاب کرده بود لحظه ای از پای ننشست و دائماً در این مسیر تلاش و کوشش می کرد. او در حال خدمت به ملت عزیز ایران بود و در این راه مقدس به فیض شهادت نائل شد. او سیدالشهدای خدمت شد. او مرد عمل بود نه مرد شعار! شبانه روز نمی شناخت و خود را وقف خدمت به مردم کرده بود. او عاشق خدا بود، خدا هم عاشق او شد. او عاشق مردم بود، مردم هم عاشق او شدند. او خادم امام رضا علیه السلام بود و امام رضایی شد. شهید آیت الله رئیسی مثل شهید بهشتی و رجایی نشسته خدمت بود نه نشسته قدرت و شهرت. امیدوارم ما هم مانند شهید زنده بمیریم و هنرمندانه راه آنها را ادامه دهیم. بنده توفیق داشتم تا بلوی تحت عنوان مکتب شهید سلیمانی خلق کنم و خداوند را شاکر که سال گذشته این اثر به دست منتخب ملت ایران شهید آیت الله رئیسی به خانواده محترم شهید حاج قاسم سلیمانی اهدا شد.»



هادی حاجتمند، کارگردان و فیلمنامه نویس، نوشته است: «زمانی که فیلم «آستونگل» را ساختیم، بعد از اکران این فیلم از دفتر آیت الله رئیسی که آن زمان تولیت آستان قدس رضوی بودند با من تماس گرفتند و گفتند حاج آقا می خواهند فیلم را ببینند. گفتند که یک جای خوب را برای اکران فیلم در نظر گرفتیم و یک مانیتور بزرگ با تجهیزات مناسب صدا برای نمایش فیلم قرار داده بودند که نشان از توجه و حمایت ایشان داشت. آقای رئیسی درباره تأثیر سینما بر جامعه حرف های شنیدنی و مهمی زدند که برایم جالب توجه بود. تک تک بچه هایی که به آن جلسه دعوت بودیم توسط ایشان تجلیل شدید و هدیه گرفتیم.»

محسن کاویانی شعری با عنوان «برای یک داغ...» در رثای سید شهیدان خدمت و همراهانش سروده است: این شعر را در ادامه می خوانید: «باید قبول کرد که پایان جست وجوست/ دیگر دوباره دیدنت ای مرد آرزوست/ شرق است مطلع تو و غرب است مغربست/ خورشید اگر ننگفت منم تو دروغگوست/ در عصر پشت میز نشینی نمان برو/ اینجا به کام آدمگان هزار روست/ کوه و کمر که جای رئیس و وکیل نیست/ جای رئیس لای پرمهریان قیوست/ باید فقط نشست و سخنران خوب بود/ باید نماز خواند... نمازی که بی وضوست! / تُقُتُ تو را تمسخر اغیار خسته کرد/ حالا جقدر دور تو خالی ز عیب جوست/ خدمت به خلق کردی و رفتی به فرش عرش/ جان را قباله کردی و دادی به دست دوست/ پاینده باد دولت داغی که بر دل است/ پاینده باد دولت بُغضی که در گلوست/ قدر تو را چگونه ندانسته ایم ما/ این اشک آینه است که با آه رویه روست/ نقاره زن شده دلمان، زعفرانی است/ خون دل است آنچه که حالا سیبوسوست/ پس خادم الرضا شدنت افتخار توست/ آسوده باش کشورمان در پناه اوست/ چشم انتظار تو به خدا حاج قاسم است/ امشب جقدر تشنه دیدار و گفت و گوست/ از این سقوط من که ندیدم صعوت را/ پروازی از میانه پروازم آرزوست...»



شهید رئیسی در قلب ما جاودان است

در فعالیت ۲۰ ساله هنری ام، کمتر پیش آمده که حتی تجربه دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را کسب کنم؛ اما در این دوره متفاوت بود. در این دولت، رئیس جمهور هم به مسائل فرهنگی اهتمام نشان می دادند، در برنامه های مهم فرهنگی حضور فعال داشتند و توجه و علاقه قلبی شان کاملاً احساس می شد. این فقدان برای ما دردناک است و نمی توانیم جای خالی او را بپذیریم، جایگاه آیت الله رئیسی در دل و قلب های ما جاودان است. در تاریخ باقی خواهد ماند که رئیس جمهور در حال خدمت به مردم به شهادت نائل شد، همیشه هم

در دورافتاده ترین نقاط کشور حضور داشت. یک روز قرار بود برای برنامه ای به استان البرز تشریف بیاورند، با اینکه به روسیه سفر کرده بود، اما مستقیم از مسکو به البرز آمد و برنامه را لغو نکرد. برای ما که ساکن استان البرز هستیم، این اقدام ارزشمند بود. در این روز به نقاط دورافتاده البرز رفت و چند پروژه را افتتاح کرد و طرح مسکن برای مردم کم برخوردار را راه اندازی کرد. او نمونه تلاش و خدمت و مدیر تراز انقلاب اسلامی بود.

بخشی از گفته های
نغمه مستشار نظامی، شاعر با ایرنا

احیای راز خون

درآمدی بر منظومه فکری و فرهنگی شهید آیت الله رئیسی - بخش اول



اسلامی آن دوره از بغداد به شهر مرو در خراسان منتقل می شود. اگر دانشمندان، حکما، عرفا و عالمان بسیاری در این قرن و قرون بعدی مانند فردوسی و... تجلی پیدا می کنند، باید ریشه آن را در هجرت تاریخی امام رضا(ع) به ایران و پیامدهای درخشان آن دید. از رهگذر چنین فهمی، گستره ایران فرهنگی و تمدن اسلامی در پیوند با یکدیگر به مثابه یک «قدرت تمدنی» ظاهر می گردند و فهم این نقطه طلایی در تاریخ (هجرت امام رضا) که ذکر آن رفت، برای صورتبندی هر تحولی در افق تمدن اسلامی، کلیدی و کارساز است. شهید آیت الله رئیسی، «تفکر فرهنگی دولت مردمی» را بر اساس چنین فهم و رویکردی بی ریزی کرد و توانست نظریه فرهنگی انقلاب اسلامی را با تکیه بر فلسفه امام خمینی و آیت الله خامنه ای بسط دهد و گشایش های تازه ای ایجاد کند. بدین ترتیب او توانست دوگانه های کاذب مانند «ایرانیّت» و «اسلامیت» را طی مدتی کوتاه به یگانه های وحدت بخش در عرصه فرهنگ عمومی تبدیل سازد و همگرایی جدیدی میان ایران و اسلامیت پدید آورد.

قدرت سازی تمدن محور

اما قدرت رئیس جمهور شهید ما در پیشبرد سیاست تمدنی دولت مردمی به همین جا خلاصه نمی شد، بلکه قدرت کاربردی سازی آن در صحنه عمل، هنری است که کمتر به نحو توامان در یک شخصیت جمع می شود و الحمدلله، انقلاب اسلامی از برکت وجود چنین شخصیت های جامعی همواره بهره مند بوده است که امروزه رهبر معظم انقلاب بر قله این جامعیت می درخشند. بنابراین کار بزرگ دیگر شهید آیت الله رئیسی، جمع کردن میان دوگانه «نظر» و «عمل»، آن هم در یک گستره کلان تمدنی بود و بر اساس این توانایی توانست قله نظری اسلام را به میدان عمومی فرهنگ پیوند دهد. این کار او را می توان «قدرت سازی تمدن محور» نامید که بعدها دربره آن سخن خواهیم گفت. وقتی شخصیتی از چنین افق نگاهی برخوردار باشد و به یک نظریه یا اجزای متناسب و معتدل رسیده باشد، می تواند پس از عبور از دوگانه های مذکور، دوگانه کاذب دیگری را نیز کنار بزند؛ دوگانه انقلابی گری و مردم گرایی. شهید آیت الله رئیسی، زمانی به ریاست جمهوری رسید که بسیار تلاش می شد تا نیروهای انقلاب را چهره هایی فاقد مقبولیت مردمی معرفی کنند. هم انتخاب او و هم شهادت رئیس جمهور ما نشان داد که چنین دوگانه ای از اساس فاقد اصالت است. سنت الهی نیز این است که هیچ چیز جز شهادت نمی تواند مظلومیت مردان خدا را نشان دهد و به روایت سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی «در عالم رازی هست که جز به بهای خون فاش نمی شود. هنر آن است که بمیری، پیش از آنکه بمیرانند. مبدأ منشأ حیات آنان اند که بمیرانند. مبدأ منشأ حیات آنان اند برار و ما قبرستان نشینان عادات سخیف را نیز از این منجلاب بیرون کش.» شهید مظلوم مایه آیت الله رئیسی، راز خون را در روزگار ما دوباره احیا کرد.

برای رئیس جمهور شهید خستگی ناپذیر

گزینده اصلی ام در ۱۴۰۰ نبود، هرچند به او رأی دادم و به این رأی هم افتخار می کنم. هرچه از دوران مسئولیتش می گذشت کامل تر و پخته تر می دیدمش. در مقابل بعضی از هواداران دوآینده سابقش که



علیرضا فقیهی
فعال فرهنگی

در ماه های اخیر روز به روز بیشتر فاصله می گرفتند و تبدیل به منتقد و مخالف سید شهید شده بودند، من با اینکه انتقاداتی داشتم اما روز به روز امیدم به شخص سید شهید و آینده دولت بیشتر می شد، اما تقدیر نبود که ماحصل تلاش هایش را که تازه داشت ثمر می داد، ببیند. اخلاص سید کار را به جایی رسانده که دیگری باید بیاید و برداشت کند و به نام خود بزند. رئیسی بعد از سال ها لگدکوب شدن غرور و عزت مردم ایران در دولت قبل، نماد احیای غرور ملی بود. او که سرنوشته کشور را به تصمیمات کاخ سفید و مذاکرات گره نزد، بدون برجام و FATF، جایگاه بین المللی ایران را با عضویت در شانگهای و بریکس و گسترش تعاملات جهانی، پیگیری حضور ایران در کزیدورهای جهانی، آزادسازی پول های بلوکه شده ... ارتقا داد. با محوریت شهید متواضع امیرعبداللهیان با دیپلماسی منطقه ای و فعال و تهاجمی دولت، شبکه مقاومت را توسعه داده و دستاوردهای تاریخی چون عملیات وعده صادق در کنار نیروهای میدان را رقم زدند. سید هرچقدر در خارج مقابل مستکبرین عالم مستحکم ایستاده بود، در داخل سرش جلوی مردم کج بود، متواضع، خاکی، پرکار و این روحیه شخصی او وارد ساختار سیاسی کرد. دولت را بعد از یک دهه غفلت، میان مردم برد، سفرهای استانی را احیا کرد، پشت میز نشینی را جمع کرد و خودش را بدهکار مردم و مخاطب بایدما می دانست. به آنچه می رسید و تکلیف می دانست عمل می کرد، اهل شنیدن و استفاده از ظرفیت های بالقوه کشور بود و نه تنها اهل حاشیه سازی و بازی های قدرت نبود، بلکه نگذاشت این حاشیه ها مسیر خدمتش را به انحراف بکشاند. اگر بغض جریان جهانی استکبار به دلیل احیای قدرت منطقه ای و جهانی ایران و بازگویی فعال در دوران گذار نظم بین المللی و حمایت از مستضعفین عالم است، عداوت پادوهای داخلی هم از احیای مردم مداری، فسادستیزی و مبارزه با روحیه اشرافی گری است.

از راه اندازی سامانه سوت زنی، عزل پیش از ۱۰۰ مدیر دولتی، پیشگام شدن شخص رئیس جمهور در برخورد با فاسد کارگزاران دولتی در سطح وزیر، جلوگیری از فرار مالیاتی و جمع کردن قابل توجه رانتهای ارزی همگی عملکرد موفق و البته متناسبانه ناتمام سید خستگی ناپذیر بود. نهایتاً هم همین اخلاص، مردمی بودن و پاک دستی سید عزیز بود که مخالفان و منتقدان را به سوگ و حتی حلالیت کشاند و مردم این گونه بی سابقه و باشکوه خادم خود را بدرقه کردند.



دری که به سوی زندگی
باز می شود به طرف انسان
نمی آید بلکه انسان باید
به سوی آن برود.